

جمهوریت چیست و جمهوریخواه کیست ؟

چهارشنبه ۱۵ دی ۱۳۸۹ - ۵ ژانویه ۲۰۱۱



فرهنگ قاسمی

وقتی سخن از جمهوری به میان میاید غالباً گفته میشود منظور از نظام جمهوری چیست؟ جمهوری اسلامی یک نوع آن است، در سودان نوع دیگر آن را مشاهده می‌کنیم، رژیم کره شمالی نیز جمهوری است، سوریه با جمهوری موروثی اش شق دیگری از این نظام حکومتی می باشد، استالین هم بر نظام جمهوری سوار بود، پل پوت هم جمهوریخواه بود، پینوشه هم با نظامی جمهوری قدرت خود را تحمیل می کرد، در فرانسه، آلمان، ایتالیا، امریکا و کانادا هم نظام جمهوری بر قرار است.

از سو دیگر، در میان کشور های جهان جمهوری دیکتاتوری داریم، جمهوری دمکرتیک داریم، جمهوری شورایی داریم، جمهوری فدرال و جمهوری مبتنی بر دمکراسی پارلمانی نیز داریم ... کدامیک از این جمهوری ها برای جامعه بشری مناسب تر است؟

کوشش ما اینست تصویری از نظام جمهوریت وشهروند جمهوریخواه، انطوری که در فلسفه و سیاست و در سیر تحول این دکترین آماده است ارائه دهیم و سرشت های جمهوریخواهی را در حد امکان بیان کنیم تا جمهوریخواهان واقعی بدانند با قبول اصل جمهوریخواهی چه وظائف و حقوقی خواهند داشت و چگونه باید از این ایده ال دفاع و برای استقرارش مبارزه کنند. همینطور شاید برخی از مدعی های جمهوریخواهی حد و مرز خود را تشخیص داده و در رفتار سیاسی خود تجدید نظر نموده به عواقب عدول از این اصول بیندیشند.

اگر چه نظام جمهوری در ابتدا در مقابل حاکمیت موروثی و سلطنتی قد راست می‌کند. اما ویژگی هایی را برای خود قائل میشود که به آزادی انسان از انواع سلطه ها و نه تنها از سلطه سلطنت، می انجامد . جمهوریت تنها مخالفت با پادشاهی و حکومت موروثی نیست، در عین حال که این مخالفت لازم است اما به هیچ وجه کافی نیست. یک جمهوریخواه میتواند مانند یک سلطنت طلب بسیاری از اصول جمهوریخواهی را زیر پا بگذارد و خودش را جمهوریخواه نیز بخواند. وانگهی عملی سازی ایده ال های جمهوری خواهی مستثنی از قانون تئوری - عمل - تفاوت نیست. زیرا فرا خواهی و گذار از شرائط موجود و در نتیجه آن انحراف از هدف و دگرگونی در ماهیت بشر بوده و صفت برتر اوست.

اندیشه جمهوریخواهی برای نخستین بار در یونان باستان و در دمکراسی آتن توسط ارسطو بر اساس فلسفه شهروندان آزاد با حقوق مساوی برای انتخاب شدن و انتخاب کردن و با حق قضاوت نمودن بناگذاشته میشود و مسیر خود را تا به امروز با پیچ و خم های

فراوان طی می‌کند.

ماکیاول در تعریف دولت از دو نوع نظام دولتی، یکی پادشاهی و دیگری جمهوری یاد می‌کند. در قرون روشنائی بسیاری از اندیشمندان به تئوری نظام جمهوری می‌پردازند، از آن میان نظرات و استدلال‌های هوبس و روسو در تائید جمهوری و ارتباط آن با آزادی و برابری مهم‌اند. منتسکیو باورمند بود که دولت شهروندان بطور ایده‌آل باید جمهوری باشد. همینطور مارکس و انگلس در ارتباط با انقلاب فرانسه و بنیانگذاری نظام جمهوری تحلیل‌های شایان توجهی ارائه می‌دهند. جان آدامس، در کتاب تاریخ جمهوری‌ها، تحول رژیم‌های استبدادی به سوی جمهوری و درغلطیدن نظام‌های جمهوری به سوی نظام استبدادی را مورد مطالعه قرار داده و عمل آزادی شهروندان را در این تغییر و تحولات موثر میدانند.

معاصرینی مثل فریدریش ون هیک، بنجامین کنستانت، جان پوکوک، فیلیپ پوتی ... ویژگی‌هایی بر آن قائل می‌گردند که ابعاد انساندوستی جمهوریخواهی را متعالی می‌سازد. حاصل این برداشت‌ها را شاید بتوان به شکل زیر بیان کرد.

جمهوریخواه بودن یک انتخاب ناب، انساندوستانه، عدالتخواهانه و شایسته شرافت انسانی است. بر حسب تعریف در یک نظام جمهوری استبداد، بی‌عدالتی، نابرابری، بی‌توجهی به حیثیت انسانی، تجاوز به آزادیهای فردی و اجتماعی و تبعیض کم‌تر از دیگر نظام‌ها است.

از آنجا که نظام جمهوری را شهروندان جمهوریخواه بنیانگذارده و از آن حفاظت کرده و آن را تداوم می‌بخشند پس باید دید جمهوریخواه کیست و این صفت ارزنده جمهوریخواهی شامل چه کسی میشود چرا که کیفیت جمهوری را جمهوریخواهان بوجود می‌آورند.

۱. جمهوریخواه انسانی آزاد است، و حلقه بندگی هیچکس و هیچ چیز را نمی‌پذیرد و فقط در برابر قانون مسول است و آزادی‌های فردی و اجتماعی را محترم می‌شمارد.

۲. جمهوریخواه بر دو اصل آزادی و برابری ارج می‌گذارد زیرا بر این باور است که یک انسان نباید به انسان دیگری سلطه کند، در یک نظام جمهوری برابری شهروندان و بیطرفی دولت در مقابل شهروانندن دو روی یک سکه‌اند.

۳. جمهوریخواه از نظر اجتماعی رادیکال و از نظر سیاسی ترقیخواه و از نظر اقتصادی عدالت طلب است.

۴. جمهوریخواه برای استقلال قضایی، سیاسی و اجتماعی کشورش تلاش می‌کند و حافظ تفکیک قوای سگانه است و برای برقراری عدالت اجتماعی مبارزه می‌کند.

۵. جمهوریخواه قانون را در خدمت آزادی میدانند پس برای جمهوریخواه قانون نباید محدود کننده حق باشد.

۶. جمهوریخواه که از ستون‌های سه‌گانه دولت مدرن: بیطرفی دولت، آزادی عقیده و بدیل‌گرایی دفاع می‌کند در ماهیت خود لائیک است. در واقع لایسته اصل بنیادی و پایه‌گذار جمهوری است. هر نظام جمهوری

بدون اصل لایسته ناقص است

۷. جمهوریخواه به عنوان یک انسان و یک شهروند در رابطه با مسائل روزمره فرهنگی، هنری، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، و بالاخره با هر آنچه که بطور مستقیم یا غیر مستقیم با او و جامعه اش ارتباط دارد مداخله گر است. دومینیک شناپر معتقد است که فکر کردن در باره اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم با طبیعت جامعه مبتنی بر دخالت شهروندان مرتبط است. کوندورسه، در دویت سال پیش در ارتباط با جمهوریت و حقوق شهروندی مطلب با ارزشی را بیان می‌کند که او را از انقلابیون دیگر مانند دانتون، روبسپیر، حتی سیس جزا می‌سازد. از آنجا که این گفته هنوز از اهمیت شایانی برخوردار است و بسیاری بعد از او در دوران مختلف، با عبارات گوناگون و به مناسبت های مختلف آنرا بیان کرده‌اند نظرش را در اینجا می‌آوریم: **رأی مردم نه مصون از خطا و نه در ذات خود از فضیلت اخلاقی برخوردار است. به همین دلیل باید، بدون هیچ ممنوعیتی - تابویی- همه پیش بینی ها را برای تجدید نظر و بهبود قوانین در نظر داشت؛ آرا مردم، نباید حقوق بنیادی فرد را پایمال سازد، بر عکس هرگاه تصمیمی در رأی گیری به تائید اکثریت رسید شامل همه میشود.**

۸. جمهوریخواه در جامعه از انتخابات آزاد پشتیبانی کرده و اعتقاد دارد که مقامات مسول و مدیران بدلیل لیاقت و کاردانی و خدمتگذاری به مردم برای مدت محدودی توسط مردم و نمایندگان آنها بکار گمارده میشوند. در نظام جمهوری مسئولین و مدیران، که تحت نظر قدرت سیاسی منتخب مردم عمل میکنند، نه تنها باید تضمین کننده واقعی و عملی اصل بیطرفی باشند بلکه همینطور باید در رفتار خود چنان عمل کنند که شهروندان در بیطرفی آنان کوچکترین تردیدی نکنند.

۹. جمهوریخواه میکوشد بطور مدام در امور روزمره جامعه مشارکت داشته، انتخاب کند و انتخاب شود، و در زندگی شهروندی و اجتماعی حضور نزدیک و مستقیم و فعال داشته باشد.

۱۰. جمهوریخواه دولت را قبل از هرچیز برای دفاع از آزادی انسان در مقابل هرگونه سلطه، حتی سلطه اکثریت برسمیت میشناسد، در غیر این صورت خود را موظف میداند علیه آن دولت اقدام کرده و آنرا جابجا کند.

۱۱. جمهوریخواه دیوان سالاری نظام جمهوری را تنها در محدوده خدمت به جامعه قبول دارد و با هرگونه حاکمیت دینی، مذهبی، قومی، مسلکی، مرامی، خانوادگی (الیگارش)، غیر ملتی (نه ناسیونالیستی)، مخالف است و با آن مبارزه می‌کند.

۱۲. جمهوریخواه مخالف هرگونه تبعیض است و گوناگونی اندیشه و مسلک، دین و مذهب، قوم و ملت، دانش و درایت، فرهنگ و کیفیت، هوشمندی و مهارت ... را محترم می‌شمارد و برای همه بدون استثنا، حق آزادی برابرقائل میشود. جمهوریخواه از حق خود، از حق شهروندان خود و همینطور از حق همه انسان ها دفاع کرده و اخلاق - اتیک- را همواره در رفتار در مد نظر دارد.

از آنجا که جمهوری با ارزش های جهانشمول هستی یافته با اتکا به این اصول، زیست تحولی خود را ادامه میدهد پس جهانشمول است. اضافه کردن هر صفت و هر پیشوند یا پسوند به واژه جمهوری به عنوان نظام حکومتی آنرا خدشه دار کرده و ماهیتش را تغییر داده و اصول گوهرین آنرا تضعیف میکند. بنابراین جمهوری نمی تواند ملی، سوسیالیستی، کمونیستی، لیبرال اسلامی، مسیحی، خلقی، شورایی، دمکراتیک پارلمانی... باشد.

این نوشتار به آقای عباس عاقلی زاده تقدیم میگردد

[1] Marx, Engels, la fondation et l'évolution de la République, Annales historiques de la Révolution française Année 1993 Volume 291 Numéro 1 pp. 1-12

[2] John Adams [انقلابی ایالت ماساچوست، یکی از تئوریسین ها بنیانگذارن ایالات متحده معاون جرج واشنگتن اولین رئیس جمهور و خود دومین رئیس جمهور امریکا که در برقرای صلح، با تز بیطرفی ایالت ها، نیز نقش بزرگی بازی میکند.

[3]- La neutralité de l'Etat

[4]- La liberté de conscience

[5]- Le pluralisme

[6]- La loi de 1905 : un cadre pour la laïcité

در این قانون، سه مورد قابل توجه است. لایسیته و بیطرفی، لایسیته و برابریو بالاخره لایسیته و بدیل گرایی

Documentations françaises : La laïcité : débats 100 ans après la loi de 1905

[7]- questions à... Jean Baubérot 3

Jean Bauberot, titulaire de la chaire «Histoire et sociologie de la laïcité» à l'Ecole pratique des hautes études et membre de la Commission Stasi répond à la revue Regards sur l'actualité, dans son n° 298 «Etat, laïcité, religions

[8] Dominique SCHNAPPER, École des hautes études en sciences sociales, L'UNIVERSEL RÉPUBLICAIN

REVISITÉ, VEI Enjeux, n° 121, juin 2000

[9] Condorcet

استاد متعهد ریاضیات، وکیل مجلس قانون گذاری در انقلاب فرانسه، که یکی از تئوریسین های بود که در اعلان جمهوریت نقش مهمی ایفا کرد و گفته میشود در اندیشه و عمل از زمان خود جلوتر بود، و در تاریخ انقلاب فرانسه به عنوان بنیان گذار تعلیم و تربیت مدرن شناخته شده است

[10] Administrations de la république

۰۴ / ۲۰۱۱ / ۰۱

فرهنگ قاسمی

پاریس

Farhang.ghassemi@orange.fr آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباهای
هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن
جاوا اسکریپت دارید
<http://www.rangin-kaman.org>
جامعه رنگین کمان- بنیاد آزادی اندیشه و بیان